

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

نویسنده: ویجی پراشاد
برگردان: مجله جنوب جهانی
فرستنده: طاهر باختری
۰۵ فبروری ۲۰۲۵

آرمان‌های پرومته‌نی ملت‌های تاریکتر



آرمان‌های پرومته‌نی ملت‌های تاریکتر: چهارمین خبرنامه (۲۰۲۵)

امریکا ظهور چین و دیگر کشورهای آسیایی را به‌عنوان یک «رقابت شدید» می‌نگرد. اما برای جنوب جهانی، این تحولات فرصت‌های جدیدی برای پیگیری توسعه مستقل به ارمان می‌آورد. دوستان عزیز،

درو از دفتر «مؤسسه تحقیقات اجتماعی تریکانتینتال».

برای دهه‌ها، درک روشنی وجود داشته که مدل‌های توسعه پیشنهاد شده توسط صندوق بین‌المللی پول (IMF) و اجماع واشنگتن – شامل بدهی، ریاضت اقتصادی و تعدیل ساختاری – بسادگی کارآمد نبوده‌اند. تاریخ طولانی مشکلات کشورهای مستعمره سابق همچنان دست‌نخورده باقی مانده است. نگاهی به آمار پایگاه داده پروژه مدیسون در سال ۲۰۲۳ نشان می‌دهد که تولید ناخالص داخلی جهانی (GDP) بر مبنای برابری قدرت خرید (PPP) بین سال‌های ۱۹۸۰ تا ۲۰۲۲ با رشدی ۶۸۹.۹ درصدی از ۱۸.۸ تریلیون دلار به ۱۴۸.۵ تریلیون دلار رسیده است. با این حال، در همین بازه زمانی، نرخ‌های فقر به همان میزان کاهش نیافته است، که نشان می‌دهد مزایای رشد اقتصادی جهانی به‌طور منطقی توزیع نشده است. تنها استثنای این روند، کشور چین بوده است. جدیدترین گزارش کنفرانس تجارت و توسعه سازمان ملل (UNCTAD) با عنوان «جهانی در بدهی» نشان می‌دهد که بدهی عمومی جهانی در سال ۲۰۲۳

به رکورد ۹۷ تریلیون دلار رسیده و بدهی عمومی در کشورهای در حال توسعه از سال ۲۰۱۰ «دو برابر سریع‌تر از کشورهای توسعه‌یافته» رشد کرده است. جای تعجب نیست که برای دهه‌ها، کشورهای جنوب جهانی از سوی نهادهائی مانند بانک جهانی و IMF این‌گونه القا شده‌اند که تنها راه خروج از بدهی، وام‌گیری بیشتر – یعنی قبول بدهی جدید – است. در سال ۱۹۹۸، روزنامه‌وال استریت ژورنال صریحاً نوشت که IMF «نه‌تنها آتش بحران مالی را خاموش نکرده، بلکه آن را با ریختن بنزین شعله‌ورتر کرده است»

در سال ۱۹۸۰، تحت رهبری رئیس‌جمهور جولیوس نایرره، دولت تانزانیا کنفرانس شمال-جنوب درباره‌ی نظام پولی بین‌المللی و نظم نوین جهانی را سازماندهی کرد. این کنفرانس به تدوین ابتکار آروشا انجامید که خواستار ایجاد یک مرجع پولی بین‌المللی جدید تحت مدیریت و کنترل دموکراتیک شد، با واحد پولی بین‌المللی که هم به‌عنوان وسیله‌ی مبادله‌ی جهانی و هم به‌عنوان دارائی اصلی ذخیره عمل کند. ابتکار آروشا استدلال کرد: «جهان نمی‌تواند وضعیتی را ادامه دهد که در آن یک کشور، ارز خود را برای ایفای این نقش تحمیل کند و خلق پول بین‌المللی و حرکات سوداگرانه‌ی فرامرزی به‌صورت بی‌رویه ادامه یابد». این کنفرانس یکی از رویدادهای متعدد آن دوره بود، زمانی که بحران بدهی جهان سوم در حال ظهور بود و به وضوح مشخص شد که نسخه‌های سیاستی IMF تنها باعث رنج می‌شود، نه توسعه. نایرره در سخنان خود در کنفرانس پرسید: «IMF چه زمانی به یک وزارت دارائی بین‌المللی تبدیل شد؟ چه زمانی کشورها توافق کردند قدرت تصمیم‌گیری خود را به آن واگذار کنند؟... مشکلات کشور من و دیگر کشورهای جهان سوم به‌قدر کافی شدید هستند، بدون این که دخالت‌های سیاسی مقامات IMF نیز به آن‌ها اضافه شود. اگر نمی‌توانند کمک کنند، دست‌کم باید از مداخله خودداری کنند.»

با این حال، با وجود مخالفت رهبران جهان سوم مانند نایرره، «مداخله» IMF ادامه یافت. نایرره سخنان خود را با دستانی بالا برده به پایان رساند: «من باور دارم مردم ما حاضرند قربانی‌ها و بارهای بیشتری را که شرایط کنونی به آن‌ها تحمیل می‌کند تحمل کنند، مشروط بر این که مطمئن باشند ما تمام تلاش خود را برای تقسیم عادلانه‌ی این بارها و ادامه‌ی اجرای سیاست‌های خودمان می‌کنیم.» اما این سیاست‌های «خودمان» چه بودند؟ این مسأله نه در کنفرانس مطرح شد و نه در پنج سال باقیمانده از دوره‌ی ریاست‌جمهوری نایرره بروشنی بیان شد. در سال ۱۹۸۶، یک سال پس از کناره‌گیری نایرره، دولت جدید تانزانیا به IMF مراجعه کرد و برنامه‌ی بازیابی اقتصادی را پذیرفت که شامل کاهش هزینه‌های عمومی و آزادسازی کنترل‌های ارزی بود. بدون هیچ جایگزینی در چشم‌انداز، تانزانیا مجبور شد به IMF تسلیم شود و سیاست‌های توسعه‌ی تعاونی اوجاما را که نایرره اجرا کرده بود کنار بگذارد.

هرچند سال یک بار، کشورهای جنوب جهانی همین چرخه را طی می‌کنند. پس از تسلیم شدن به رژیم بدهی-ریاضت IMF، بحران عمیقی به ناچار به وجود می‌آید و به آشفتگی سیاسی منجر می‌شود. سپس نیروهای جدیدی ظهور می‌کنند که راه خروج از بحران را وعده می‌دهند، دولت‌های جدید به قدرت می‌رسند و پس از چند آزمایش، این کشورها دوباره به IMF باز می‌گردند و چرخه بار دیگر تکرار می‌شود. با وجود تلاش برای ایجاد سیاست‌های «خودمان»، همان‌طور که نایرره اشاره کرد، توازن نیروها آن‌چنان نامساعد بوده که هیچ دستور کار مستقلی امکان‌پذیر نشده است. هرگونه میل به یک نظم اقتصادی بین‌المللی جدید سرکوب شده و منابع مالی امتیازی کافی برای سیاست‌هایی خارج از نسخه IMF در دسترس نبوده است.

در آخرین سخنرانی خود به‌عنوان رئیس‌جمهور ایالات متحده، جو بایدن گفت: «رقابتی شدید در جریان است – آینده اقتصاد جهانی، فناوری، ارزش‌های انسانی و بسیاری چیزهای دیگر.» او این «رقابت جهانی» را به‌عنوان مبارزه‌ای میان ایالات متحده و متحدانش در یک سو و «ایران، روسیه، چین و کوریای شمالی» در سوی دیگر توصیف کرد و

گفت که ایالات متحده در این رقابت «پیروز» است. لحن این سخنرانی تا حدی کودکانه به نظر می‌رسد. هیچ کشور دیگری درباره «رقابت» سخنی نگفته است. وقتی خبرنگاری از خبرگزاری فرانسه از سخنگوی وزارت خارجه چین، گئو جیاکون، درباره این اظهارات پرسید، او با آرامش پاسخ داد: «در طول چهار سال گذشته، روابط چین و ایالات متحده دستخوش فراز و نشیب‌هایی بوده است، اما در مجموع باثبات باقی مانده است.» در این پاسخ هیچ لحن خصمانه‌ای وجود نداشت. کلمات کلیدی در باقی اظهارات او «مشورت»، «مذاکره» و «همکاری» بودند.

اما بایدن نکته‌ای را مطرح کرده است. ظهور چین و دیگر کشورهای آسیایی به‌عنوان منبع تقاضا برای کالاها و تأمین مالی صنعتی شدن در جنوب جهانی، توازن قدرت را به نفع کشورهای در حال توسعه تغییر داده است. اکنون این کشورها دیگر مجبور نیستند به IMF متکی باشند. مرکز ثقل تجارت و فناوری جهانی در حال تغییر است.

دقیقاً به این دلیل که این تغییر به ضرر ایالات متحده – و سرمایه‌داری انحصاری که نمایندگی می‌کند – است، وضعیت کنونی را به‌عنوان «رقابت» می‌بیند. در حالی که کشورهای که به‌عنوان قدرت‌های اقتصادی بزرگ ظهور کرده‌اند، این را حق طبیعی خود برای توسعه می‌دانند. ما در مؤسسه تحقیقات اجتماعی تریکان‌تیننتال، وضعیت کنونی جهان را آن‌گونه که باید آن را «رقابت» توصیف می‌کند، نمی‌بینیم؛ بلکه آن را فرصتی می‌دانیم. با ظهور منابع جدید سرمایه‌گذاری و تأمین مالی، کشورهای جنوب جهانی بار دیگر فرصتی خواهند داشت تا، به قول نایرره، «سیاست‌های خودمان را دنبال کنیم.» اما این سیاست‌های جدید چه خواهند بود؟

در آخرین پرونده تحقیقاتی خود، به‌سوی نظریه‌ای جدید برای توسعه جنوب جهانی (که با همکاری Global South Insights تولید شده است)، ما استدلال می‌کنیم که همبستگی بسیار بالایی بین سهم تشکیل سرمایه ثابت خالص در تولید ناخالص داخلی (GDP) و رشد اقتصادی وجود دارد. به بیان ساده، آنچه اساساً برای رشد یک اقتصاد ضروری است، سرمایه‌گذاری در دارایی‌های ثابت جدید (مانند ساختمان‌ها، زیرساخت‌ها یا ماشین‌آلات صنعتی) است. افزون بر این، ما نشان می‌دهیم که همبستگی آماری معناداری میان تولید ناخالص داخلی سرانه و امید به زندگی وجود دارد. این یافته‌ها روشن می‌سازند که ورود سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی و جریان‌های مالی سوداگرانه به‌تنهایی شاخص‌های اجتماعی را بهبود نمی‌بخشند. کیفیت تأمین مالی برای دستور کار توسعه کلیدی است و در مرکز این دستور کار، فرآیند صنعتی شدن قرار دارد. هیچ کشوری بدون صنعت مدرن ماشین‌آلات توسعه نیافته است و – تا جایی که ما می‌توانیم در زمان خودمان بگوئیم – هیچ کشوری نمی‌تواند بدون ایجاد ظرفیت صنعتی خود توسعه یابد. باید سرمایه‌گذاری کنیم تا بسازیم، بسازیم تا رشد کنیم، و رشد کنیم تا زندگی مردم را بهبود بخشیم.

مؤسسه ما در سال‌های آینده به بررسی جنبه‌های مختلف نظریه‌ای جدید برای توسعه خواهد پرداخت. ما باور داریم که این فرصت، که باید آن را «رقابت» می‌نامد، بیش از آن ارزشمند است که نادیده گرفته شود.

شعرگونه‌ای در آخرین خطوط این پرونده وجود دارد:

انقلابی افریقائی، آمیلکار کابرال، به ما آموخت که هدف آزادی ملی، «رهائی فرآیند توسعه نیروهای تولیدی ملی» است. بنابراین، تدوین نظریه‌ای جدید برای توسعه جنوب جهانی، بازگشتی است به سرچشمه مبارزات ما برای آزادی از امپریالیسم و نواستعمار. با آن، مسیر آرمان‌های پرومته‌ئی ملت‌های تاریکتر را ترسیم خواهیم کرد.

با احترام،

ویجی

۲۵ جنوری ۲۰۲۵